

## جلوس مظفرالدین شاه

شرح ذیل نیز از طرف وزیر همایون به برادرش محمد ابراهیم خان معاون الدوله نوشته شده است. انتشار این اسناد که از برکت وجود حضرت مخدومی آقای حسنعلی غفاری و عنایت معظمله در نشر اسناد تاریخی خانوادگی خود، صورت می گیرد، قطع نظر از خدمت بتاریخ (هرچند کم و ناقابل باشد) نشان دادن موارد عبرت آموز تاریخ معاصر است.

پادشاهی در يك محل عمومی که مورد تقدیس و احترام عامه مردم است در حالی که آماده نماز بود کشته شده است، و این پیش آمد لاقابل نماینده نارضائی مردم می توانست باشد. مع هذا می بینیم که جانشین و فرزند این پادشاه، چنان کار خود را آغاز مینماید که گوئی هیچگونه ارتباطی میان نظر و خواست مردم و حادثه مزبور نیست. اطرافیان او نیز فقط يك هم (باتشددیمیم) دارند و آن رسیدن به مقام و منصب و یا حفظ جاه و مقام است و وقتی بنای کار این چنان باشد شاید هم تا اندازه ای معذور باشند.

بهره ای که از این تصدیع نصب این بنده میشود و برای من بسیار مغتنم است اصلاح خطاها و اشتباهاتی است که از من سر می زند و از این رو از خوانندگان محترمی که زحمت تذکر دادن را بر خود می نهند نهایت امتنان را دارم.

در توضیحات نامه گذشته اشتباهی از بنده سر زده بود که یکی از خوانندگان ارجمند آقای علی اکبر جلیلودن ضمن نامه تعارف آمیزی آنرا تذکر داده بود که موجب کمال تشکر این بنده شد.

اشتباه بنده در باره صاحب لقب «سردار اکرم» بود که بنده آنرا بر عبدالله خان قراگوزلوی همدانی تطبیق کرده بودم و ایشان بدرستی تذکر داده اند که:

«... عبدالله خان هنوز به این لقب ملقب نشده بود و دارنده این لقب محمد باقرخان داماد اتابک بود که در ابتدا لقب «شجاع السلطنه» داشت و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به لقب سردار اکرم ملقب گردید و در زمان قتل ناصرالدین شاه لقب سردار اکرم داشت و در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه لقب «سردار کسل» به ایشان اعطاء شد و چند سال بعد «امیر نظام» لقب یافت و در سال ۱۳۲۶ هجری قمری فوت نمود. ایشان فرزند محمدخان امیر تومان بیگلربیگی است و محمدخان فرزند فتحعلی خان بیگلربیگی میباشد که شخص اخیر از رجال عصر فتحعلی شاه محسوب میگردد و اکثر در آذربایجان و در خدمت عباس میرزا نایب السلطنه بوده است [نایب الحکومه تبریز بوده و مهماندار ژوبر فرستاده فرانسه هم اوست که نام او نیز در کتاب سفرنامه ژوبر آمده است] و فتحعلی خان هم فرزند هدایت خان گیلانی مشهور است که به «اترخان» رشتی شهرت داشته و بازماندگان این دودمان به اصطلاح ضرب المثلی که در طهران هنوز هم رایج و متداول است «نوه اترخان رشتی»

هستند . بعد از فوت محمد باقر خان امیر نظام لقب امیر نظام به عبدالله خان سردار اکرم قره گوزلو [ی] همدانی داده شد که معروف به حاج امیر نظام بوده است و بعد از فوت حاج امیر نظام فرزند ارشد ایشان به امیر نظام ملقب گردید که این شخص اخیر تا چند سال قبل حیات داشت و بیشتر ایام اخیر زندگی خود را در اروپا می گذراند و موقوفات مفصلی هم از ایشان بجای مانده که از جمله منزل مسکونی ایشان در طهران است واقع در خیابان سفارت فرانسه که در حال حاضر ساختمان جدید سازمان اوقاف در آن محل بنا گردیده است . در ضمن بایستی عرض کند که برادر همین امیر نظام [هم] لقب سردار اکرم داشت و داماد و ثوق الدوله بود که ایشان هم چند سال قبل وفات یافتند . . . .

این اشتباه و یادآوری آن - که موجب نهایت تشکر است - مرا در این عقیده استوار گردانید که برای تحقیق در تاریخ معاصر ایران داشتن يك « فرهنگ القاب » از ضروریات بلکه از الزم لوازم است و تهیه چنین فرهنگی کار پژوهندگان را بسیار آسان می سازد . و با بودن امثال آقایان مهدی بامداد و حسین سعادت نوری و دیگر مخادیم حیف است به این کار اقدام نشود .

در نامه قبلی دو کلمه « عرب » و « اجزاء » ، غریب و اخیراً چاپ شده بود و گروس به تشدید راء نیز با دو راء ، که تذکر آن لازم به نظر رسید . ( ۱ )  
در این نامه هم توضیحاتی در شناسائی اشخاص - آنها که قبلاً معرفی نشدند - اضافه شده است که امیدوارم مورد پسند واقع شود و اگر هم اشتباهی در آن هست ارباب کمال و اطلاع اصلاح فرمایند . این توضیحات با مراجعه بهمان منابع و ماخذ قبلی تهیه شده است به اضافه مقدمه تاریخ ایرانیان تألیف گوینو و ترجمه ابوتراب خان نظم الدوله .

### و اینک نامه وزیر همایون :

تصدیق حضور مبارکت شوم اما اوضاع و حالات و امورات دولتی قبل از ورود موکب همایون بتفصیل عرض شد بعد از ورود موکب اعلی هم ترتیب تا حالا که روز عاشورا است از این قرار شده است . اولاً از قرار معلوم اجزای شخصی و عمله خلوت همایونی در وجود مقدس مبارکشان يك نفوذ و قدرت و تسلط مخصوصی دارند و از بدو ورود قرار اینطور شد که کارهای مخصوصی درباری که راجع بوجود مقدس مبارک است از صاحب منصبان قدیم منتزع و به عمله جات مخصوص حضرت اقدس و اگذار شود خاصه باین اتفاق ناگوار که برای شاهنشاه شهید واقع شده بود امنیت ( ۲ ) خاطر از اغلب اشخاص بمقیده خودشان رفته بود قرار بر این دادند که هر کس از اجزای ایشان که در آذربایجان دارای کار بوده اند همان کارها به آن اشخاص داده شود . ابتدا فراشخانه و لقب حاجب الدولگی به مصطفی خان فراشباشی ( ۳ ) ایشان داده شد . نظارت خانه به موثق الدوله ( ۴ ) ناظر داده شد . مجد الدوله و حاجب الدوله قدیم عقب کار خود رفتند . از قرار معلوم ریاست قاجار هم به شاهزاده شعاع السلطنه پسر اوسط بندگان اقدس

۱- موجب شرمندگی است . (مجله یفما) ۲- در این کلمه تردید دارم . [تردید نداشته باشید . مجله یفما] ۳- یعنی مصطفی خان قاجار دولوی حاجب الدوله . ۴- یعنی شاهزاده مغرور میرزا که در زمان احمدشاه به وزارت دربار نیز رسید .

مرحمت خواهد شد آبدارخانه از اعتماد حضرت و اداره حضرت اشرف صدارت خارج و به مصدق‌الملک آبدارباشی خودشان داده شد. قهوه خانه از امین همایون خارج و به قهوه چی باشی خودشان (۱) داده شد. میرآخوری و کالسکه خانه و تفنگدار خانه از شاهزاده میرآخور و امین همایون و وزیر مخصوص انتزاع و بعین‌الدوله داده شد و بشاهزاده میرآخور باصرار صدارت لقب عین‌السلطان را دادند. کشیک‌خانه از ناظم السلطنه خارج به امیر بهادر جنگ (۲) داده شد قراولی شهر که با آقا بالا خان بود باز بقوچه‌های امیر بهادر دادند فقط از اجزای درباری حاجی امین‌السلطنه (۳) بحالت خود تا حال باقی ماند، رخت دارخانه و صندوق خانه خودشان را هم جزو امین‌السلطنه نموده‌اند اما باطن‌آمی گویند محصلی بقایا رابه امین بقایای خودشان (۴) دستخط داده‌اند و رخت دارخانه هم از ایشان مجزی خواهد شد تا به چه شود. امین همایون هم در سر ایدارخانه باقی است ولی فراشباشی مؤدی (۵) کار اوست. در این بین دهه عاشورا رسید و حضرت صدارت کارها را دست نگاهداشته‌اند تا فردا که ۱۱ محرم است قرار مابقی کارها داده شود. در ادارات طهران چیزی که تا حالا معلوم شده و دستخط داده‌اند بحالت خود باقی است. وزارت لشکر نظام‌الملک (۶) و وزارت طهران صدیق‌الدوله و ریاست پلیس نظم‌الدوله است (۷) دیگر سایر کارها میان فال است.

روز و روز و دو کب‌اعلی تمام مالیات قصابخانه و نوناخانه و ولایات را به تخفیف مرحمت فرمودند فرمان او صادر و در مجلس وزراء صدارت فرمودند فدوی قرائت نمود اسباب خوشحالی عامه شد. بعد از آن جلوس شخصی در تالار بادگیر فرمودند که خواص و وزراء و عمل خلود حاضر بودند. امام جمعه جقه بسمبارک گذارد و حضرت صدارت خلعت حضرت رضا روحی و جسمی فداء را بشاه بمبارکی پوشانیدند. روی صندلی نادری جلوس فرمودند. تمام اظهار مرحمت بصدارت بود نایب‌السلطنه هم همان روز با حالت خیلی کسل شرفیاب شد و به ایشان اظهار مرحمت فرمودند. روز دیگر سلام بزرگ در تخت مرمر منعقد شد صدراعظم که تا آن روز سلام عام حاضر نبودند آن روز با جبه و نشان بدون شال و کلاه در سلام حاضر شدند و بجای میرزا تقی خان و میرزا آقا خان (۸) ایستادند. مخاطب سلام شاهزاده جهان‌نوس و میرزا (۹) امیر تومان بود و باز ابتدا شکر و حمد الهی را فرمودند که بحمدالله در محل اجداد تاجدار خود سلامت جلوس فرمودیم و باز تمجید از صدارت که هیچ دولتی و هیچ پادشاهی مثل صدراعظم ما ندارد که صدیق و عادل و کافی باشد. روز دیگر سفراء را صدارت بحضور بردند و در این روز معلوم شد

- ۱- یعنی ابوالقاسم خان اعتمادالسلطان. ۲- یعنی حسین پاشا خان قراچه داغی که مستغنی از تعریف است. ۳- یعنی محمد علی خان داماد آقا ابراهیم امین‌السلطان که بعداً داماد مظفرالدین شاه هم شد. ۴- یعنی سلطان علی خان یزدی نواده عبدالرضا خان که بعداً بلقب وزیر افخم ملقب شد. ۵- بجای مدعی آورده است. ۶- یعنی میرزا عبدالوهاب خان پسر میرزا کاظم خان پسر میرزا آقا خان نوری. ۷- یعنی ابوتراب خان خواجه نوریان پسر میرزا حبیب‌الله پسر میرزا اسدالله پسر میرزا فتح‌الله لشکر نویس باشی برادر میرزا آقاخان نوری. ۸- یعنی امیر کبیر و میرزا آقا خان نوری اعتمادالدوله. ۹- پسر پنجاهم فتحعلی شاه بنا بر منتظم ناصری و شست ششم بنا بحر اللالی.

که وزارت خارجه از قوام الدوله (۱) منتزع است. خود او که مدتها بود بسلام نمی آمد معاون می آمد بعوض او آنروز صبح حضرت صدارت بتوسط ظهیر الدوله (۲) به معاون الملک (۳) پیغام دادند که دیگر شما با سفراء حاضر نشوید اوهم نیامد و حضرت صدارت بمرجمی ناصر الملک کار را تمام فرمودند. بناصر الملک کمال مرحمت را دارند و با مشیر الملک در هر کار شریک است و حدس می زنم وزارت خارجه را شخصاً اگر بصدارت ندهند به ناصر الملک تصویب فرمایند داده شود. روز بعد از آن علماء با صدارت مشرف شدند. روز بعد عمل خلت شاه شهید را که تقریباً با فراش خلوت سپید و پنجاه نفر بودند وزیر مخصوص خبر کرده بودند بخاکهای همایون مشرف شدند. حضرت صدارت تمام آنها را باسم معرفی فرمودند و وزیر مخصوص (۴) وفدوی و فخر الملک بعد بترتیب سایرین گذشتند. بندگان اقدس فقط بخان محقق و علی خان والی برادر محمد خان والی و احتساب الملک (۵) و حکیم الملک اظهار ملاطفتی فرمودند سایرین علی الرسم گذشتند و در حق آنها شاه نطق اظهار مرحمتی فرمودند که بقدر عمر آنها که تلف شده باید در حق آنها مرحمت شود و بصدراعظم سفارش فرمودند که اینها را بیکار نگذارید. از قراری که معلوم شد سر تمام اینها بی کلاه است. بعضی را با ادارات بعضی را بحکام ولایات بعضی ها را کارخارج می خواهند بدهند و بسیارند. وزیر مخصوص را بعد از دوسه روز ورود صدارت بخلوت برده کاغذهای خودشان را به ایشان دادند و قراردادند روزی یکی دو ساعت در حضور بخوانند اما ریاست خلوت ایشان معلوم نیست اگر هم بشود بی مصرف است زیرا که باین عمل خلوت ترکها نمی توانند ریاست نمود بدلیل آنکه اینها خودشان را از هر کس معتبرتر می دانند و باطناً هم عین الدوله با آنها ریش سفیدی و ریاست دارد. تفنگدار هم که بعین الدوله داده شده وزیر مخصوص هم غیر از وقت کاغذ خوانی حضور نمی روند و در نهایت کسالت و ملالت خاطر هستند. اما حالت فدوی آنچه معلوم می شود صدارت میل دارند فدوی داخل خلوت شود اما نه حالا زیرا که بقدر دو بیست نفر پیش خدمت شاه شهید خارج شده اند یکنفر داخل شود برای صدارت اسباب دردسر ورنجش آنها می شود اگر چه تمام آنها محل ملاحظه نیستند اما مثل امین حضور حکیم الممالک مجد الدوله معین الدوله حاجب الدوله قدیم خان محقق اقبال الدوله خودمان و غیره و غیره که از این قبیل هستند و حضر تعالی می دانید و می شناسید قدری ملاحظه می فرمایند و در باطن هم خیال کار و شغلی برای فدوی دارند اما بسر خودت هنوز تصریح و توضیح فرموده اند اما فدوی چون وضع را خوش نمی بیند عقاید خود را در عریضه دیگر جسارت نموده است که بنظر مبارک حضرت عالی هم هر چه بسرسد مرقوم فرمائید تمام اعیان واری بفضل خداوند است کاری که تا حالا بحمد الله عیب نکرده است مرحمت حضرت اشرف است با فدوی که حالا نمی توانم عرض کنم بدون هیچ نقیصی کاملاً هست و میل

- 
- ۱- یعنی میرزا عباس خان تفرشی معاون الملک نایب وزارت خارجه در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری.
  - ۲- یعنی علی خان داماد ناصرالدین شاه و جانشین صفی علی شاه که لقب عرفانی او صفا علی بوده است.
  - ۳- یعنی میرزا محمد علی خان پسر میرزا عباس خان تفرشی سابق الذکر.
  - ۴- یعنی غلامحسین خان صاحب اختیار پسر میرزا هاشم خان و برادر زاده فرخ خان امین الدوله.
  - ۵- یعنی تقی خان پسر عبدالملی خان ادیب الملک پسر حاج علی خان مراغه ای رئیس تشریفات سلطنتی در زمان احمد شاه.

دارند مرحمت مخصوص بکنند و اغلب اوقات را در حضور مبارک ایشان می گذرانم و آنی منفک نیست تاخدای تعالی چه مقدر فرموده باشد. اما اقبال الدوله حضرت اشرف کمال بی مرحمتی را بایشان دارد و همان است که بتوسط میرزا عباس خان عرض شد مهمانی محمدآباد ایشان از صدارت طوری اشکالات فراهم نموده وسعایت کرده اند که از قلب صدارت محال است بیرون برود. بعد از ورود موکب اعلی در شهر در باغ اقبال الدوله عصر با جمعی آمد و شد میکردند و از آنجا بیاغ امین الملك میرفتند نه اینکه اجماع و اجلاس مخالفش باشد ولی باطناً صدارت از این مجالس مطلع شدند و اینکه جمعیتی دور امین الملك (۱) را هم بگیرند خوشحال نبودند. چند روز قبل در مجلس در حضور اغلب مردم نسبت به اقبال الدوله در انعقاد این مجلس خیلی بدگفتند اما در غیاب اقبال الدوله و وزیر مخصوص بود تنها فدوی حاضر و ساکت بود تغییرات زیاد فرموده گوشه او به امین الملك هم راجع بود و حاضر نبودند حتی صریح فرمودند اگر من بعد اقبال الدوله مجلس بکنم دو نفر قزاق زیر بغل او را گرفته بکشان برده تسلیم حکومت خواهد کرد ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد. خلاصه ای برادر جان من اینها هم از بدبختی ماهاست و از سوء اتفاقات زیرا که ضرر اقبال الدوله و خفت او هم از ماهاست و ناچار در انتظار مردم و قلب صدارت اثر خوب ندارد خاصه نزد این ترکها که مفضح خواهد شد. خوشا بحال جناب عالی که تشریف ندارید. اگر کوروات قرض کنید و خرج کنید به ندیدن يك روز طهران و این احوالات ارزش دارد. اگر چه صدارت باطناً بوزیر مخصوص مرحمت دارد ولی ایشان هم در يك حالت نا امیدی بدی هستند تا خدا چه خواهد. ولیعهدی را بر حسب میل باطنی اعلیحضرت همایونی به محمد علی میرزا دادند و دستخط او را هم پنج روز بعد از ورود صادر فرمودند. صدارت هم اگر چه باطناً بواسطه دامادی نایب السلطنه میل گویا نداشتند اما از قراری که شنیدم وقت حرکت در تبریز محمد علی میرزا بقدر ده پانزده هزار تومان به اجزای مخصوص شاه داده و ادا کرده بودند در بین راه و آنجا شاه را اغوا (۲) نموده بودند ایشان را ولیعهد نمایند و صدارت هم که اینطور دیده بود بی طرفی بلکه تصویب نموده ولیعهدی به ایشان داده شد. شماع السلطنه از این فقره خیلی اوقاتش تلخ است. امین الدوله (۳) راهم صدارت به پیشکاری کل آذربایجان داخل نموده کردستان هم جزو آذربایجان شده تمام اجزای آذربایجان را امین الدوله از کسان خود میبیرند. اقبال الملك (۴) حکومت کردستان و صدیق السلطنه (۵) خودمان بریش سفیدی درب خانه ولیعهد و غیره و غیره تمام تا چند روز دیگر می روند. همین فقره از غرایب روزگار است. حالا طهران از معاندین صدارت مصفی شده غیر از امین الدوله که معناً خیلی قوت دارد و شاه به او التفات دارند و صدارت

۱- یعنی شیخ اسمعیل برادر میرزا علی اصغر خان اتابک که ابتدا از طلاب علوم دینیہ و معمم بود ولی پس از فوت پدرش وارد کارهای دولتی شد. ۲- این کلمه بجای ترغیب بکار رفته است ولی معنی تشویق در عمل بددادر. ۳- یعنی میرزا علی خان صدراعظم مظفرالدین شاه پسر حاج میرزا محمد خان مجید الملك. ۴- یعنی میرزا محمد پسر حاجی بابای طبیب تحصیل کرده انگلستان که داماد میرزا آقاخان نوری بوده و چون میرزا آقاخان دائمی مجد الملك بوده است از این رواج کسان امین الدوله یاد شده است. ۵- با احتمال قوی یعنی عبدالعلی خان صدیقی که پس از کتباچی خان و پسرش نماینده ایران در شرکت نفت شد.

باطناً در کار اوست تا چه پیش آید. اما مقام اقتدار و ریاست صدارت غیر از آن وضع سابق است هزار درجه بالاتر است و شب و دروژ آبی آرام ندارند. پنجاه روز و شب تمام در عمارت شاه مقیم بودند و همه را کار می‌کردند و حالا دو سه روز است صاحبقرانیه آمده‌اند. باز در صاحبقرانیه اوطاقهای درباری مقیم هستند و باغ مرحوم حاجب‌الدوله (۱) که در صاحبقرانیه بود عزیز خان خواججه سه ماه قبل خریده آنجا صدارت منزل کرده از اجزای شب فقط عزیز خان و بنده و حاجی علیقلی خان بختیاری گه با غلامهای خود مراقب وجود صدارت هستند آنجا سکنی دارند. بنده رستم آباد منزل حاجی خان هستم اما عیالات در شهر هستند روزها آنجا شب‌ها در خدمت صدارت هستم وزیر مخصوص در چیدر است. حبیب‌الله خان (۲) مدتی است صدارت بی‌التفات شده بجهت همان مزخرفات شبانه که ملاحظه فرموده بودید حالا غالباً با امین‌الملک است و خدمت صدارت هیچ نمی‌رسد. شیخ محمد دکتر خدمت صدارت است عرض ارادت هم میرساند اما بدانید باطناً ذات خوبی نیست. خانواده نظام‌العلمائی‌ها بواسطه ضدیت عین‌الدوله عقب مانده‌اند و نزد شاه تقریبی ندارند. حکیم‌الملک و خان‌خان (۳) پیشرفتی دارند ناظم‌الدوله ناخوش و در تهرانست فدوی جز با خانواده نظام‌العلمائی خصوصیت با کسی ندارد. واجزای شاه را بملاحظه صدارت ابدأ ملاقات نکرده، اگر چه با امیر بهادر خصوصیت داشتم اما او را هم ندیده ام . . .

۱- ایضاً به احتمال قوی حسینعلی خان پسر رحیم خان علاء‌الدوله و پدر زن احمد قوام (قوام السلطنه) که در همان سال ۱۳۱۳ درگذشت. ۲- نتوانستم حتی به احتمال تشخیص بدهم، در فهرست رجال درباری در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ نام حبیب‌الله خان غفاری ملقب به خبیرالملک هست و چون وزیر همایون بصورت خیلی خودمانی از او یاد کرده است شاید مراد هم او باشد. ۳- به این صورت کسی شناخته نشد اما خان‌خان نام دیگر مهدی قلی خان مخبر السلطنه بوده است که در همان موقع از رجال معتبر دربار و از دوستان امین‌السلطان بوده است و با او هم بسفر حج رفته است و سفر نامه او هم چاپ شده است.

## مولود علی

به مناسبت ۱۳ رجب ۱۳۹۱ = ۱۳ شهریور ۱۳۵۰

گویند که روز روز مولود علی است  
 امروز اگر علی ز مادر زاه است  
 من در عجبم که این سخن گفته کیست  
 پس آیهٔ لم یلد ولم یولد چیست؟  
 مرحوم محمد علی منشی کرمانی - اوایل همین قرن